

نمونه‌های از نقاشی هندو ایرانی در زمان پادشاهی بابر و جانشینان او در هند

سرسلسله پادشاهان مغولی هندوستان «بابر» یکی از اشخاص برجسته تاریخ اسلامی است که در ضمن جنگ و جدال برای ریختن پایه و اساس کشور جدید خود بقدری بهرهای زیبا علاقه نشان داده که نام او در تاریخ صنایع اسلامی مرتبه بلندبیرا حائز گردیده است. از این شاهنشاه چنین نقل کرده‌اند که از ساختن يك بيت یا نسخ يك كتاب چنان خوشوقت میشد که گویی ایالت یا شهر جدیدبیرا در تصرف خویش در آورده.

«بابر» که در سن یازده سالگی در نتیجه وراثت بر کرسی پادشاهی تفرغانه نشسته بود برای کمک بابر اهریم سلطان دهلی هندوستان لشکر کشید و پس از تحصیل فتوحات شایان ابراهیم را نیز مغلوب و برای خود در هندوستان سلطنتی تشکیل داد. جانشین بابر پسرش همایون توانست از عهده دشمنان بر آید و بابران آمده به دربار شاه طهماسب شاهنده گردید و پس از تحصیل بیرو مجدداً بتصرف کشور از دست رفته خود موفق گردید. پسر همایون اکبر که یکی از بزرگترین پادشاهان این سلسله شمرده میشود مانند پدر و جدش همایون و بابر علاقه زیادی بهرهای زیبا داشت



شکل ۱ - سه شاعرانه جوان از بیرو مردی پند میگیرند

و چون تربیت ایرانی داشت نویسندهگان و دانشمندان ایرانی را کرد خود جمع آورده بود. جانشین اکبر جهانگیر و شاه جهان نیز از مریدان هنر و صنعت بودند و از دوره پادشاهی آنها بناهای بسیار زیبا و آثار صنعتی فراوان باقیمانده. بابر در نوشته‌های خود از نقاشان مکتب هرات تمجید و تحسین فراوان کرده است. همایون مدتی در قزوین و تبریز با هنرمندان و دانشمندان دربار سفویه بسر برده و عبادات و رسوم و صنایع ایرانی علاقه بسیار داشت. اکبر در مدت پنجاه سال پادشاهی خود حامی بزرگ دانشمندان بشمار میرفت و کتابخانه مهمی تشکیل داده بود و هر روز بر تعداد کتب دستی و منقوش آن میفزود. عشق و علاقه او بنقاشی بقدری زیاد بود که دیوارهای کاخهای پادشاهی را نیز بنقاشیهای بزرگ دیواری مزین نموده بود و آثار آن هنوز در شهر «فتح پور» باقیست. ارتباط صنعت مغولی هند با صنعت ایرانی سمرقند و بخارا تا زمان شاه جهان ادامه داشت و در دربار اکبر بیش از صد هنرمند که بیشتر آنها



شکل ۲ - در این شکل حضرت مریم و حضرت مسیح نشان داده میشود



شکل ۳ - شهریار پسر جهانگیر

شکل ۱ - سه شاهزاده جوان از پیر مردی در مقابل خانه اش پند میگیرند. در پرده اول صفحه مستخدمی بهلوی اسب یسکی از شاهزادگان نشسته است. در بالا کاخی روی تپه هویداست. صنعت شبیه سازی که در زمان پادشاهی «بابر» و خاندان او در هندوستان معمول شده بود در این صفحه نقاشی بخوبی پیداست. اشخاص همگی دارای يك شكل و يك قیافه نیستند. مثلاً صورت پیر مرد طوری نقش شده که حتی سنّ تقریبی او را میتوان حدس زد. یکی از شاهزادگان جواهر از روی شاهزاده دیگر بنظر میآید. از قیافه این شاهزادگان به اجابت و اصالت آنها میتوان



شکل ۴ - یکی از شاهکارهای نقاشی دوره شاه جهان

ایرانی بودند از اطراف و اکناف گرد آمده و بدستور سلطان شبیه سازی بزرگان کشور مشغول بودند و باینجهت صنعت شبیه سازی در دوره سلاطین مغولی هندوستان معمول گردید.

جهانگیر در شعب مختلف هنرهای زیبا جزو خیرگان شمرده میشد و نظر به عشق مفرطی که بشکار داشت مجموعه کاملی از تصاویر حیوانات جمع آوری نموده بود که بیشتر آنها هنوز موجود است.

شکل ۲ - منظره آتش بازی
هر کدام حالت مخصوص بخود دارد. از قیافه شاهزادگان احترام نسبت به پیر مرد و حسن کنجکامی و تعجب راجع بمطالیه که برای آنها میگوید دیده میشود و پیر مرد از روی عطف و مهریابی با آنها صحبت مینماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



سبک عمومی نقاشی شباهت زیاد بسبک نقاشی ایتالیایی قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی دارد. در نما نیز تقریباً اروپائی است و کاخی که در بالای صفحه دیده میشود بی شباهت بکاخهای نظامی نواحی شمالی ایتالیا در قرون وسطی نیست. حتی خانه پیر مرد بینهایت شبیه بخانههای دهاتی اروپا است. روی هر قته نقاش این صفحه اشخاص خود را که کاملاً هندی هستند در يك محیط اروپائی در معرض نمایش قرار

میراث شدیدی در صنعت نقاشی هندی حاصل گردید و ازین پس صنعت نقاشی از تبعیت کتاب خارج شده و صورت مستقلی بخود گرفت و اهمیت آن از متن کتاب بیشتر شد. از این دوره نقاشیهای متعدد و کتب مصور فراوان باقی مانده که در موزه های بزرگ دنیا موجود است ولی تصاویری که امروز در دسترس ما است و میتوانیم بسهولت در این نامه درج نماییم متعلق بمجموعه ایست که بنام مزرع کلشن از تاریخ ۱۳۰۶ هجری وارد موزه سلطنتی شده و در جلد اول و دوم آثار ایران بطبع رسیده است.

داده . تاریخ این نقاشی در حدود ۱۰۵۰ هجری است .

شکل ۲- در این شکل حضرت مریم و حضرت مسیح سبک هندی نشان داده شده اند از قیافه بانوی جوانی که در پشت سر حضرت مریم قرار گرفته حسین و نواضع بیحد و پایان نسبت بطفل هو بدست و در این صفحه مانند صفحه پیش احساسات درونی اشخاص از قیافه آنها نمایان است . دورنمای صفحه یعنی پرده نارنجی رنگی که در عقب دیده میشود کاملاً اروپائی است ولی قیافه بانوی جوانی که در سمت چپ ایستاده و کلی در دست دارد کاملاً هندی است .

تأثیر و نفوذ صنعت نقاشی غربی در این صفحه بخوبی آشکار و تاریخ آن بین ۱۰۲۴ و ۱۰۴۰ هجری است که برابر با ۱۶۳۰ میلادی میباشد .

شکل ۳- یکی از شاهکارهای دوره نقاشی شاه جهان صفحه ایست که یک شب آتشبازی را نشان میدهد . در قیافه هر یک از حضار که ظاهراً از خانواده پادشاهی هستند آثار تعجب و تحسین دیده میشود لباس فاخر آنها در میان روشنائیهای آتش مصنوعی منظره بسیار

شکل ۷- طماوس در میان گل و سنبل



شکل ۶- شاهزاده جوان بانوی وجهی را در آغوش گرفته

زیبائی را تشکیل داده در حالیکه در تار یکی شب از دور کوزه همای بسیاروت مشعل مانند ستارگان پر بوری میدرخشند نظرافت و زیبائی این صفحه محتاج بوصف نیست . این صفحه نمونگی است در موقع جشن تاجگذاری شاه جهان یعنی در تاریخ ۱۰۳۸ هجری نقاشی شده باشد و در این صورت طفلی که در ردیف اول دیده میشود پسر او « مراد بخش » خواهد بود که از صدای ترکیدن آتشیهای مصنوعی ترسیده بسوی مادر یا دایه اش پناهنده شده است .

شکل ۴- دوشاهزاده خانم هندی با لباس فاخر دو آتش مصنوعی در دست گرفته یکی از آنها را آتش زده اند و در عقب خادمه ای



تنگه و قبحانی در دست دارد و خادمه دیگر مشغول بواختن میباشد . ظرافت و زیبائی این صفحه نقاشی محتاج بوصف نیست . شکل ۵- تصویر پسر جهانگیر . شکل ۶- روی ابوانی مقابل در با چو بین درختان در فصل بهار شاهزاده جوانی با لباسهای بسیار زیبای بانوی وجهی را در آغوش گرفته در حالی که بانوی دیگری در سمت چپ صفحه روی خود را بر گردانده و بینهایت متأثر و اندوهگین بنظر میآید . از قیافه یکی عشق و امید و از قیافه دیگری غم و ناامیدی هویداست . شکل ۷- طماوسی را میان گل و سنبل و شکل ۸- بوته گلی را در کمال سادگی و خالی از هر گونه آرایش نشان میدهند . ظرافت و زیبائی این دو صفحه ناشی از سادگی خطوطی است که نقاشی مزبور را به وجود آورده .

این سبک نقاشی تا آن زمان در هیچکدام از کشورهای خاوری یا باختری معمول نبوده . در دوره سلسله مغولی هندوستان یعنی زمان پادشاهی بابر و جانشینان او صنعت نقاشی ایرانی یا نفوذ و تأثیر نقاشی اروپائیی بدست هنرمندان هندی با بصورت درآمد .

شکل ۸- یک بوته گل





نقش عهدای از علماء



شاهزاده جوان در حال شکار



یکی از صحنه‌های نقاشی دوره مغولی هندوستان (در حدود ۱۰۱۵ هجری)



نقش جهانگیر (در حدود ۱۰۲۳ هجری)